

نگاهی به جامعه‌شناسی جوانان

دکتر باقر ساروخانی

این نوشته حاوی خلاصه‌ای است از نظرات لنوبولد روزن‌مایر (۱) Leopold Rosenmayr جامعه‌شناس اطریشی، که تحقیقات

وی در زمینه شناخت ویژگیها و مسائل جوانان شهرت جهانی دارد و تلفیق آن با عقاید نویسنده متن کامل نوشته روزن‌مایر با برگردان نگارنده در سال ۱۳۴۹ از جانب مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (بخش روانشناسی) تحت عنوان «مقاله برج‌جامعه‌شناسی جوانان» بصورت پلی‌کپی دو ۵۰ نسخه تکثیر گردید. فرصت بحثی که در جریان برگزاری کنگره بین‌المللی جامعه‌شناسان (کمیته مسائل جوانان) با روزن‌مایر در تورنتو (کانادا) در سال قبل فراهم آمد، موجبات اطلاع از تفکرات جدید وی در این زمینه را بدست داد که درین نوشته کوششی در انعکاس آنان بعمل خواهد آمد.

شناخت گروهی بزرگ از نظر کمی، مملو از امیدها، عامل تازه دگرگونیها و در عین حال نیروئی در کنترل اجتماعی، ضرورتی هر روز بیشتر می‌یابد. و پیدائی شاخه‌ای تازه با همین نام در علوم انسانی منبعت از همین ضرورت بنیادینست. چه، جامعه‌صنعتی چشم‌اندازهای تازه‌ای در زندگی جوانان میکشاید، استقلال اقتصادی بیشتری را برایشان تأمین می‌کند همچنانکه افق‌های تازه‌ای در ارتقاء آنان باز می‌کند، با افزایش سال‌های آموزش و اختصاص هزینه‌ای روزافزون در این زمینه، نظام قبلی انتقال‌فرهنگ از طریق استاد کار و شاگرد را به درون سازمانهای رسمی تری می‌کشاند و از این طریق حمایت نیروی کار را در برابر استثمار استادکار تقبل می‌نماید. سال‌های ورود به بازار کار را دگرگون می‌سازد و از این طریق بر زندگی جوان، فصلی دیگر میکشاید.

از سنگینی بار سنت‌ها می‌کاهد و در نتیجه آزادی بیشتری را برای انسان پدید می‌آورد. لیک، علیرغم همه این امتیازات، راه‌های سنجیده و آزموده سنتی را به پوته تردید مینهد و حیرت، سرگردانی و ابهام از آینده را در ذهن جوان می‌نشانند. در جامعه آینده‌نگر صنعتی، تعارض در این است که بشر هرآن بسوی آینده می‌نگرد و هر لحظه چهره‌های آنرا در ارقام بی‌شمار ماشین‌های حسابگر می‌سنجد، حال آنکه هیچگاه با درهم ریختن نظام‌های سنتی، از آینده خود این چنین بی‌خبر نبوده است. آسمانها و اعماق دریاها را میشکافد، و حال آنکه از همسایه نزدیک خود بسیار بی‌خبر است، بر پیوندهای خانوادگی آنچنان ضربات سنگینی وارد می‌سازد که هیچگاه در تاریخ حیات بشر این چنین سازمان خانواده را سست و تزلزل‌پذیر ندیده‌ایم. به قول یکی از جامعه‌شناسان نوعی تازه از چند همسری پدید می‌آورد که گسستن مکرر پیوندها و بالنتیجه تعدد همسران در زندگی يك انسان عامل آنست. از این طریق، جوان و جوانی را در تنهایی بی‌سابقه‌ای فرو می‌برد. هیچگاه در طول حیات بشر، جوانان و بطور کلی انسانها این چنین تنها نبوده‌اند و در عین حال باز هم هیچگاه، این چنین در انبوه زندگی نکرده‌اند. انسانی که هر لحظه در برابر دیگران است و در شهرهای غول‌پیکر راه خود را از بین جمعی کثیر می‌گشاید، با همه ناآشناست و بیان زیبای رایزن در کتاب جالبش «انبوه تنها» از همین‌جا منشاء می‌گیرد. تنهایی، بی‌خبری از آینده، سستی هر نوع پیوند و قراردادی شدن هر چه بیشتر و رابط که با تعدد قوانین در جامعه جدید شکل می‌یابد بقول «ابن‌هایمر» دنیای هراس‌انگیز بی‌ثبات، و هر لحظه متغیر در زندگی جوان پدید می‌آورد.

شناخت این دنیای پیچیده بهمان نسبت که خائن اهمیت است؛ ظرافتی بسیار دارد، چون در قالب معیارهای سنتی تحقیق نمی‌گنجد و همراه با زندگی بر از حرکت جوان، راه‌های هر روز تازه‌ای را می‌طلبد ابتدا بهتر است، از تعریف جوانی آغاز نمائیم، تا پس از آن شرایط اجتماعی و فرهنگی امروز جوانرا بررسی نمائیم.

مفهوم لغوی جوان

ابتدا مفید به نظر میرسد درباره گروه‌های سنی مورد مطالعه توضیحی داده شود. بطور کلی سن جوانی شامل گروه‌های ۱۳ تا ۲۴ ساله میشود، اما باید بین «نوجوانان» و «جوانان» فرق گذاشت. از نظر جامعه‌شناسی بهتر است جوانان را به دسته‌های کوچکتری تقسیم کنیم و اینکار می‌تواند به شیوه‌های مختلف صورت گیرد. دوره نوجوانی با همه تغییرات جسمانی که مشخص‌کننده آنست معمولا در حدود ۱۸ سالگی و گاهی نیز در بعضی از مناطق و در میان برخی از گروه‌های اجتماعی زودتر از این سنین پایان می‌پذیرد.

باید اضافه کنیم که فرد بزودی رفتار خود را کاملاً منطبق با تغییرات جسمانی خود نمی‌کند، بلکه طرز تلقی و رفتار مخصوص «نوجوان» برور تغییر می‌پذیرد. از ۷۵ سال پیش باین طرف، از يك سو سن بلوغ کاهش یافته و از سوی دیگر تظاهرات آن در بین جمعیتی که از جهات گوناگون همسانی دارند، تنوع یافته است. تماس دختر و پسر و حتی روابط جنسی آنها پیش از آنکه پیوند زناشویی بسته شده باشد امروز زودتر از همیشه شروع می‌شود. مقررات بسیاری از کشورها اهمیت مخصوصی به ۱۸ سالگی می‌دهد و این خود نتیجه و در عین حال علت تفاوت‌های روزافزون اجتماعیست. در گروه سنی ۱۳ تا ۱۸ ساله تظاهرات بلوغ تنوع بسیار می‌یابد، تنوعی که از نظامهای گوناگون تحصیلی نوجوانان منشاء می‌گیرد. در تحقیقی جدید پیشنهاد شد که گروه‌های سنی برحسب ملاک‌هایی از قبیل شغل، ازدواج، وضع فرد در برابر قانون توزیع شوند تا بدین وسیله نقش دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از تفاوت‌های سنی معلوم گردد. نیدهاردت^۱ این تقسیم بندی را پذیرفته است. اما با توجه به باین واقعیت که در آمریکا يك چهارم دختران از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند (میانگین ازدواج برای دختران ۲۰ سالگی و برای پسران ۲۳ سالگی است) می‌توان گفت حتی اگر صرفاً به ازدواج جوانان توجه کنیم گروه‌هایی که سن آنها بین ۱۸ تا ۲۴ یا ۲۵ سالگی است، از نظر جامعه شناسی متفاوتند. قبلاً گفته‌ایم باید جوانی را همچون فرایندی ۲ و نسل جوان را چون قسمتی از کل جمعیت در نظر گیریم. گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله، ۱۲ تا ۲۱ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهد و تعداد آنها در کشورهای در حال توسعه آمریکای جنوبی، آفریقا و آسیا بیش از این است.

چند ویژگی دموگرافیک دانشگاه‌های انسانی و مطالعات فرهنگی

تحولاتی چند موجد و یا دیست کم موثر در شرایط و ویژگی‌های جوانان از دیدگاه جمعیت شناسی است. این بلوغ اینکه روابط این تحولات را بررسی کنیم فقط به ذکر آنها می‌پردازیم؛ زیرا بعضی از اطلاعات ما با عواملی که توافق چندانی با چنین سیر تحولی ندارند بی‌بسته‌اند و ناچار این امر هرگونه تعمیمی را غیر ممکن می‌سازد.

میزان مرگ و میر نوجوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله تنزل فاحش یافته و امروزه می‌توان صرفاً حوادث و اتفاقات را علت مرگ و میر در این گروهها دانست.

1- F. Neidhardt.

۱- برای توضیح بیشتر به کتاب زیر مراجعه شود:

1- A. W. Green: Sociology; an analysis of life in modern society; New york, 1960, P:43

2- Processus

سن ازدواج از سال ۱۸۶۰ پائین تر آمده است. اما به روشنی می بینیم که این تغییر فقط مخصوص طبقات متوسط است.

در این زمینه، یعنی تطور سنی ازدواج، ملاحظه می کنیم که حرکت جوامع بسوی تکنولوژی و یا به اصطلاح توسعه، موجبات کاهش ازدواج های زودرس را فراهم می آورد و این پدیده مطلوبی است. چه دختر و پسر را از صورت کالائی بدرمیآورد و دست کم ازدواج زمانی رخ میدهد که همراه با بلوغ جسمانی، بلوغ اجتماعی نیز تا حدی تحقق یافته است، لیک مسئله به همین جا خاتمه نمی یابد. بدین معنی که جامعه به اصطلاح در حال توسعه پراکندگی خاصی در ازدواج از دیدگاه سنی در خود دارد، ورود سرسام آور فرهنگ غرب با همه الگوهایش و بقای نسبی الگوهای سنتی موجب میشود که عنجاری خاص و قابل قبول، بدست نیاید و این امر نه تنها در مورد سن ازدواج جوانان بچشم می خورد، بلکه در همه موارد و جوانب زندگی اجتماعی صادق است. در بین گروههایی در همین جوامع سن ازدواج چنان بالا میرود که از مرزهای مطلوب آن می گذرد و با توجه به وجود اخلاق سنتی و پای بندی وجدان جمع بدان، جوانی را با ناکامی خاص همراه میسازد که از یکطرف دیررس بودن ازدواج و از طرف دیگر عدم امکان تماس با جنس مخالف منشاء آنست، لیکن، در مراحل بالای رشد اقتصادی شرایطی جدید پدید می آید که موجبات بازگشت سنی ازدواج را فراهم میسازد، بار دیگر ۲۰ سالگی برای ازدواج دختران و ۲۳ سالگی برای ازدواج پسرها باب میشود.

جنبه های اجتماعی و فرهنگی زندگی نوجوانان

تقریباً ۴۰ سال پیش از این زیگفرید برن فلد ۱ پیشنهاد کرد که جوانان و مسائل آنان را از نظر روانی، اجتماعی و حتی جسمانی مورد مطالعه قرار دهیم. نظرات این دانشمند ما را یاری کرد تا امروز از این واقعیت که واکنش های روانی فرد در هنگام بلوغ در برابر تغییرات جسمانی شدیدتر از دیگر مراحل زندگی اوست آگاه شویم. این واکنشها با احساس عدم اعتمادی همراه میشوند که بنوبه خود جوان را نسبت به نظام ارزشها و هدفهای جدید حساستر می کنند. جوان دیگر به قبول ساده نظامهای ارزشی با دیدی کودکانه اکتفا نمی کند، بلکه سازمانی تازه در روان نوجوان بوجود میاید که او را در پذیرش بهتر انگیزه های اجتماعی یاری می کند. درست در این دوره است که تاثیر خانوادگی رو بکاهش می گذرد و مخصوصاً انعطاف پذیری شدید نوجوان او را بسوی هدفهای سیاسی می کشاند.

رهبران اینگونه جنبشها بخوبی میدانند که افکار بیشتر در جوانی کسب و بمرور ثابت میشوند و هر دستگاه سیاسی موقعی استحکام می یابد که جوانان

پسوی آن کشیده شوند. می‌توان گفت که در این سنین تأثیرات اجتماعی و فرهنگی باوج اهمیت خود میرسند. عبارت دیگر، شاید بتوان گفت نه کودکی و پیر بیش از همه از نظر جسمانی و پزشکی به اجتماع وابسته‌اند. در حالی که از نظر جامعه شناسی بطور کلی جوانان و مخصوصاً نوجوانان هستند که گروههای وابسته به اجتماع را تشکیل میدهند، جوانان تنها به بعضی از ارزشهای اجتماعی کشیده نمی‌شوند، بلکه برای تسکین دلواپسی های روحی خود ناچارند که آرمانی نیز داشته باشند، آرمانی که بدان دل می‌بندند و آنرا از خود میدانند. جوانان به نیرو محتاجند و آنرا در تصاویر، سمبلها، الگوها و یا بتنهائی که بدان می‌گیرند و یا گریانده می‌شوند جستجو می‌کنند.

در اغلب جوامع صنعتی، جوانان بهیچوجه نمی‌توانند تمایل جنسی خود را بنحو کامل ارضا کنند، آنها نمی‌توانند از داشتن يك قدرت اجتماعی برخوردار شوند و نیز توانائی بیان انتقادات خود را ندارند. سن آنها، تحصیلات ناتمامشان، رشد اجتماعی و استقلال اقتصادی ناقص آنها همه موجب میشوند که نوجوانان نتوانند رضایت‌خاطری کامل و تمام عیاری به دست آورند و این حالت سبب میشود که آنها برای باز یافتن تعادل خود به آرمانهائی بگردند.

پروفسور منشینسکایا (۱) عضو فرهنگستان علوم تربیتی مسکو، این مطلب را با بررسی جوانانی که خود را در قالب قهرمانان ملی روسیه می‌دیدند ثابت می‌کند.

اریکسن^۱ در کنفرانس کاخ سفید که برای بحث درباره کودکان و جوانان تشکیل شده بود نظراتی مشابه ابراز نمود.

اما چنین به نظر میرسد که این تمایل جوانان همیشه به بت پرستی و افراط میانجامد. در جوامعی که تولید کالاها در دست دولت نیست، امکان دارد که در بازار از ستایش مفرط نوجوانان در برابر بتهایشان سوءاستفاده شود، در سال ۱۹۶۰ تنها از الویس پرسلی (۲) ۶۰ میلیون صفحه فروخته شد. در جوامع سوسیالیست همین احساس ستایش بی‌حد جوانان سبب جمود فکری آنها میشود و وسیله‌ای در دست سیاستمداران برای پیشبرد تمایلاتشان می‌گردد. امروز نمی‌توان جوانان و یانوجوانان را بدون در نظر داشتن تحولات فرهنگی - اجتماعی يك جامعه مورد بررسی قرار داد و بالطبع هرگونه پژوهشی در این زمینه باید به این عوامل توجه داشته باشد.

جوانان برحسب نظامهای سیاسی، اجتماعی و یا پیشرفت های اقتصادی يك جامعه حالات گوناگون می‌پذیرند و در حقیقت همین گوناگونیهاست که

1- Erikson . 2- Elvis Presley.

1- Menchinskaya .

مطالعه جهانی جوانان را بفرنج می‌کند و بر ماست که در هر پژوهشی سخن از این تنوعات به‌عین آوریم. از جانب دیگر، اگر بپذیریم که جوانان انعطاف‌پذیرند، باید تربیت پذیری آنان نیز بیشتر از بزرگسالان باشد. بنابراین برای درمان گرفتاریها و مشکلات جوانان ابتدا باید به شناخت علل آن بپردازیم، تا شیوه مداوا را با بررسی کامل و آگاهانه بدست آوریم.

ابتدا به مطالعه دگرگونیهای شرایط اجتماعی جوانان می‌پردازیم.

به نظر میرسد که برای این منظور لازم باشد به خانواده که به قول ماکارتکو ۳ عالم تربیت درست «مانند چارچوبیست که اولین گام‌های انسان را در جامعه هدایت می‌کند» توجه کنیم. اما پیش از آغاز این بحث، لازم است طرز تلقی جوانان را نسبت به قدرت‌های اجتماعی بررسی کنیم.

ویل‌هوت ۴ ضمن تحقیقات خود آنچه را که قبلاً، بصورتی مبهم می‌

پذیرفتند آشکار ساخت. بدین معنی که پسرها در نوجوانی به گروه‌های همسن خود می‌پیوندند و از دیگران دوری می‌کنند. با گذشت زمان و افزایش سال‌های زندگی مخصوصاً آنگاه که معاشرت با دختران را هدف خویش قرار می‌دهد، بعنوان یک‌مرد بالغ به جامعه روی می‌آورد و دوستانی با سنین مختلف برمی‌گزینند. کشف علل چنین تمایلی سخت بیچیده است. لیکن می‌توان به درک بعضی از این علتها نائل گشت. در هر جامعه وصول به سن کمال متضمن تغییری در نقش‌های اجتماعی فرد میشود. نوجوان باید رفتاری مخصوص با دیگران داشته باشد. باید در این دوره فراگیرد که آزاد و مستقل زندگی کند و باصطلاح گلیم خود را از آب بکشد. باید قدرت و اعتماد بنفس در خود بوجود آورد. مسئله قدرت مخصوصاً در این دوره اهمیت خاصی می‌یابد. کودکان معمولاً مطیع اراده بزرگترها هستند و کاری را انجام می‌دهند که آنها خواسته‌اند. بعدها چنین رابطه‌ای باید جای خود را به روابطی دیگر دهد تا جوان بتواند قدرتی از خود نشان دهد. بهمان نسبت که جوان رشد می‌کند بیشتر به استقلال در زندگی تمایل پیدا می‌کند و این تمایل طبیعی است. زیرا بدینوسیله نوجوان خود را برای زندگی بزرگسالی آماده می‌کند. تغییرات جسمانی که همراه با آغاز بلوغ ظاهر میشوند مخصوصاً سرعت رشد جسمانی در این دوره خود عواملی هستند که میل به استقلال را شدت می‌بخشند.

نوجوان از لحاظ جسمانی در خود ضعف و ناپختگی بسیار می‌بیند و احساس چنین حالتی موجب کمروزی او میشود. آگاهی جوان از تغییرات جسمانی و اجتماعی که در این دوره باو دست می‌دهند او را امیدارد تا سترالاتی در مورد نقش بزرگسالی که بزودی به او محول می‌شود بر خود مطرح سازد. از خود می‌پرسد من کی هستم؟ چطور آدمی خواهم شد؟ در جوامعی که ساده‌تر

و ابتدائی تر هستند نقش هر کس از قبل تعیین شده و حدود و لغور آن مشخص شده است. در چنین جوامعی سئوالاتی از این قبیل کمتر مطرح میشوند. لیکن در جامعه صنعتی که افراد در برابر زاهمای گوناگون قرار می گیرند و مردم لازم است یکی از این طرق را انتخاب نمایند، اینگونه پرسش ها مخصوصاً در دوره های حساس زندگی بیشتر مطرح میشوند.

هنگامی که جوانان با مسئله شناخت خود روبرو هستند ناچار باید بیشتر به ارزیابی خود بپردازند و از خود پرسند کیستند؟ چه ارزشی دارند؟ همه این کوششها اصولاً باید مدتی آنان را از جامعه بزرگسالان دور نگهدارد. باید متذکر شویم که این کناره گیری ممکن است نوعی مخصوص جلوه کند. بدین ترتیب که جوان مایل شود صرفاً با همسالان خود طرح دوستی بریزد و این شاید نتیجه این امر باشد که همه این افراد در این سنین دستخوش تحولی همسانند و این همسانی خود می تواند موجب همخوانی و دوستی بین آنان شود. روابط دوستی بین نوجوانان همسن چنان حالتی بوجود می آورد که هر کس آزادانه به بیان افکار خود می پردازد. عبارت دیگر، این گروهها چهارچوبی اجتماعی بوجود میاورند که در آن جوانان بخوبی بهم کمک می کنند و با هم این دوره نوجوانی را سپری می نمایند.

این پدیده، باید در نهایت مقاومت بیشتر جوانانرا در برابر ارزش های مقبول بزرگترها موجب نکرد، همچنانکه در عرف آنان مفهوم بزرگسالان بعنوان گروهی خاص و جدا از آنان تجلی ننماید. در جامعه در حال رشد که صفت شاخص آن وارداتی بودن ابزار کار است و همراه با این ابزار، ارزش های جامعه دیگر بدان رخنه نموده است، باید تعدد ارزش های امری، طبیعی تلقی شود و در این میان جوانان با گرایش به ارزش های نوین و بزرگسالان با توجهی خاص به ارزش های سنتی شکافی زاینده میابند که قطعاً در همبستگی درونی دو گروه و مقاومت بیشتر آنان در برابر یکدیگر موثر خواهد بود، بدون آنکه در صدد تأمین یکپارچگی تمامی قشرهای سنتی برآئیم این شکاف گسترده را در تحکیم مبانی و فای اجتماعی مضر خواهیم یافت.

مدرسه بعنوان یک سازمان اجتماعی که می کوشد دانش ها و ارزش های جدید را بشاگرد بیاموزد با مقاومت دوستان همسن نوجوان روبرو میشود. اینان شاگردی را که به قبول ارزش های معلم تن در دهد و در یادگیری و تحصیل بکوشد از جامعه خود میرانند و حتی او را مسخره می کنند. کلمن برای اثبات این فرضیه از زندگی در زندان یاد می کند چون در این محیط دو نظام ارزشی با هم برخورد می کنند: ارزشمندی که مورد قبول دستگاه اندازی زندان است و آنهاییکه مورد قبول و احترام زندانیان است. به بینیم چه نتایجی از این تحقیقات بدست می آید.

اختلاف مدرسه و دوستان جوان، عده کثیری از جوانان رفیق باز و دوست جو را علیه تعداد معدودی از نوجوانان که برعکس به ارزش های مدرسه می-

گرایند برمی‌انگیزد. به ظاهر نظر کلمن اینست که مدرسه باید بجای مخالفت با ارزش‌های گروهی نوجوانان، خود را با خواست‌ها و معیارهای ارزشی آنها انطباق دهد و از جوانب مثبت آنان نیز فایده بگیرد. به نظر او باید دو تغییر اساسی در این مورد حاصل شود: اول آنکه باید در شبکه روابط دوستان جوان، هنر و ارزشهای علمی راه یابند و در کنار مسابقات بسکتبال، بیزبال، مسابقات موسیقی و هنری بوجود آید، افراد گروه باید بطور جمعی تشویق و ترغیب شوند تا از رقابت‌های مفراط فردی جلوگیری شود. با این همه این نظر جالب نقطه ضعفی نیز دارد. ورزش به دلائلی چند جوان را به خود میکشاند و به سختی می‌توان با ایجاد فعالیت‌های دیگر جانشینی برای آن ترتیب داد.

مطالعه نظرات دانشمندان روسی در باره جامعه‌پذیری یعنی بررسی این مطلب که چگونه وجود دوستان در کلاس درس موجب رقابتی سالم در گروه میشود بسیار جالب است. طبق این نظرات برای تحریک افراد بیشتر از الگوهای گروهی استفاده می‌شود و مخصوصاً گاهی این روش همراه با بررسی تغییر رفتار نوجوان در جمع صورت می‌گیرد. بطور کلی باید از خود پرسید این روحیه دوست‌یابی که خود مشخص‌کننده کودکی و نوجوانی است بکجا می‌انجامد؟ تأثیرش بر روی شخصیت فرد چگونه است؟ و تا چه حد موجب شکل‌های مختلف تهاجم و پرخاشگری در جوان است؟ **برن فن برنر** ۱ و بسیاری دیگر از متخصصان برآنند که نوجوانیکه با دوستان خیلی زود روابط نزدیک برقرار می‌کند احتمالاً فردیست محافظه‌کار و سست پرست.

اگر والدین تسلط خود را با شدت و خیلی زود بر جوان تحمیل کنند، نوجوان بیشتر خود را در قالب آنان می‌بیند و این حالت رشد ذهنی او را سرعت می‌بخشد مگر آنکه فشار بی‌حد والدین پرورش نظام ارزشی را در کودک متوقف ساخته باشد.

از نظر سیاسی، مطالعه چنین جنبه‌هایی از جامعه شناسی جوانان میتواند جالب و شاید هم مهم باشد. حالا به مسئله مخصوص دیگری که با روابط پسر و دختر در ارتباط است می‌پردازیم.

نوجوان در اروپا خیلی زود با جنس مخالف تماس برقرار می‌کند، اما شاید تحولی که در این امر صورت گرفته آنقدرها سریع نباشد و ملاقات‌های عاشقانه نیز آنچنان که تصور می‌رود علتی و بی‌پروا صورت نگیرد. از جانب دیگر رقابت جوانان آمریکائی برای جلب دختران جوان که جلوه‌ای از جامعه سرمایه‌داری امریکاست و بخوبی توسط ویلاردوالر ۲ و هارگارت مید ۳ توصیف شده است در اروپا کمتر رایج است. با این همه تماسهای جنسی در اروپا رواج یافته‌اند. این تماسها که خود از کشش طبیعی دختر و پسر منشاء

می‌گیرند در حقیقت نامزدی موقتی هستند که برغم آنچه در گذشته صورت می‌گرفت، کمتر به روابط اجتماعی گسترده و صحنه والدین اهمیت میدهند، بلکه تمتع جسمانی بیشتر مورد توجه است و الزاما به ازدواج نمی‌انجامد. بی‌تردید، این روابط برحسب هنجارهای اخلاقی و مخصوصاً سطح تربیتی طرفین دگرگونی می‌پذیرند. اما آنچه در این روابط عمومی است، آزادی نسبی طرفین در انتخاب دوست ثالث است و همین امر خود یکی از مشخصات جامعه کنونی ماست.

پیدایش و گسترش این روابط که از دیدگاهی اخلاقی جنسی سنتی را به بوته تردید نهاده، از دیدگاه دیگر چنانچه شرایطی خاص یابد می‌تواند بوته آزمایش اولیه برای زندگی پایدار زوجین گردد و در هر حال، صفحه‌ای نو در زندگی جوان امروز در جامعه صنعتی گشوده است^۱، تصویر سنتی گذران فراغت را دگرگون ساخته همچنانکه چهره بازارمصرف راتازگی بخشیده است. بر مفهوم و ادراک عشق جلوه‌ای تازه پدید آورده است، همچون که در تمدن مصرف و به اصطلاح سوروکین^۲ «حسی» که «تمتع» راکن مهم است، عنصری جدید به ارمغان آورده است.

مراجع

- 1- A. W. Green: Sociology; an analysis of life in modern society, New york, 1960
- 2- M. Mead: Cominy of age in Samod; New york, William Morrow, 1928.
- 3- H. Silverstein: The sociology of youth: Euolution and reuolution; New york, Macmillan company, 1973.
- 4- S. N. Eisenstadt, "From generation to generation" chicapo, the free press of Glencoe, Illinois, 1956.

۱- استقرار این روابط در جامعه صنعتی همواره بعنوان پدیده‌ای نو و بی‌سابقه تلقی گردیده است و حال آنکه چنین نیست و بررسی‌های وسیع انسان‌شناسی از وجود آن در جوامع به اصطلاح ابتدائی خبر میدهد که نمونه‌ای خاص از آن در تحقیق خانم مارگریت مید در ساموا دیده‌میشود.